

# نامهای گوناگون ژاپن

هاشم رجبزاده

کشوری که امروز به نام ژاپن می‌شناسیم، و ژاپنیان خودشان «نیپون» یا «نیهون» می‌گویند تاریخی دراز دارد و این نام درگذر زمان پیدا آمده است. نیهون، به معنی خاستگاه آفتاب یا سرزمینی که خورشید از آنجا طلوع می‌کند، رایج‌ترین نامی است که به این کشور اطلاق شده است. از نظر تاریخی، نامهایی چند برای این سرزمین یاد کرده‌اند. ریشه و مایه این نامها در اینجا بررسی می‌شود. هینو موتو Hinomoto یا نیهون Nihon - «هی» به معنی آتش یا خورشید، «موتو» به معنی اساس، اصل یا بنیاد، و «نو» حرف اضافه است.

ملکه سویکو Sulko (فرمانروای ژاپن در سالهای ۵۹۳ تا ۶۲۸) در نامه‌اش به امپراتور سلسله سونی sui چین، در عنوان نوشت که نامه‌ای است از سوی «امپراتور سرزمینی که آفتاب از آن طلوع می‌کند»، یعنی کشوری که در شرق واقع شده، در برابر چین که در غرب آنست. امپراتور کوتوکو Kotoku (فرمانروای سالهای ۶۴۵ تا ۶۵۴) «نیهون» را نام رسمی این کشور معین کرد. نیهون به معنی سرچشمه آفتاب است، و کوتاه شده عبارت «سرزمین برآمدن یا خاستگاه آفتاب» که امپراتور سویکو به کار برده بود.

اما باتوجه به اینکه آفتاب از شرق برمی‌آید، منطقی نیست که کسانی که در سرزمینی هستند همانجا را برآمدنگاه آفتاب بنامند. بر این زمینه یک نظر اینست که چنین نام را کسانی باید به ژاپن داده باشند که در کناره شرقی قاره آسیا بوده‌اند، و چنین برمی‌آید که نام نیهون (جی-پن Jihpen به چینی) را نخست چینیان به جزایر واقع در شرق سرزمین خود دادند، زیرا می‌دیدند که آفتاب از

آنسو برمی آید. همین کلمه جی مین است که به صورت ژاپن درآمده است.

در باره ریشه «نیهون» نظریه دیگری هم هست که می گوید: برای مردم دوره باستان کشف آتش واقعه بزرگی بود، و کاربرد آتش سرآغاز تمدن بشر شناخته می شود. در ابتدا، آتش افروختن دشوار و پرزحمت بود، و از اینرو وظیفه نگهداشتن آتش روشن بر دوش رئیس قبیله گذارده شد. آتش حتی نمود و نشانه قدرت و حکومت او بود. در ژاپن باستان هم چنین بود، و خاندان امپراتور که رئیس قوم بود همیشه آتشی روشن نگاه می داشت که مردم از آن برای پختن، روشنایی و گرما شعله می گرفتند. چنین بود که خاندان امپراتور را «هینوموتو» یا منبع آتش خواندند، و این نام بعدها به ناحیه و سرزمین زیر فرمان امپراتور اطلاق شد. هنگامی که نشانه های نگارشی چینی را برای نوشتن نام ژاپن اتخاذ می کردند (چون ژاپنی ها خط را از چینی ها گرفتند) در نوشتن هینوموتو اشتباهی شد، و به جای اینکه آنرا «سرچشمه آتش» بنویسند «سرچشمه خورشید» نوشتند، زیرا که «هی» هم به معنی خورشید و هم به معنی آتش است. این فرضیه معقول می نماید. به هر حال، نیهون، سرزمین آفتاب طالع، نامی است که چینی ها به این کشور داده اند.

امروزه ژاپنی ها کشورشان را نیهون یا نیپون می خوانند، که به معنی «خاستگاه آفتاب» یا چشمه خورشید است. چینی های قدیم ژاپن را ژیبون Zippon می خواندند. این تلفظ نام ژاپن را مارکوپولو Marco Polo «ژینگو» Zipangu ضبط کرد که Japan انگلیسی، Japon فرانسه، Japan آلمانی و Gippone ایتالیایی از آن گرفته شده، و ژاپن در فارسی تلفظ فرانسه این نام است. در سفرنامه مارکوپولو از جزیره ژینگو (Zipangu) یاد شده که در اقیانوس مشرق و ۱۵۰۰ میلی ساحل چین واقع است (ص ۲۶۲)

جالب است که ژاپن در نقشه های جغرافیایی کار باختر زمین، نخستین بار بسال ۱۴۵۹ در نقشه فورما مائورو (Planisphere of Fra Mauro) با نام «ایسولا دوژیمپاگو» (Isola de Zimpagu) در شمال جاوه پدیدار شد. کلمبوس (Columbus) هم هنگامی که روانه سفر اکتشافی خود بود نقشه ای از چینانگو (Cipangu / Cypango) همراه برداشت (Hugh Contazzi، ص ۱۳).

مهدیقلی هدایت در یادداشتهای سفر ژاپن خود نوشته است: «ژاپنی خاک خود را نیپن می گوید. ژپانگه چینی است.» «ژاپن» از آنجا پیدا شده است. نیپن برآمدنگاه آفتاب است. «(ص ۹۳). به نوشته کمپفر Kaempfer که ژاپن سالهای ۱۶۹۰ تا ۱۶۹۲ را وصف می کند: «این امپراتوری را اروپائیان Japan می نامند. محلی ها چندین نام و کلمه برای آن دارند. معمول ترین، و آنچه که در نوشته ها و گفته های آنان بیشتر به کار می رود. Nipon است. ساکنان نانکین Nankin و جنوب چین. Sijppon تلفظ می کنند. این نام بر منشأ خورشید دلالت دارد، که از Ni به معنی آتش گرفته شده است، و در مفهومی والا تر از Ni به معنی خورشید، و Pon به معنی زمین یا (آسمان و زمین) و منشأ و مایه هر چین.

«باز، نامها و صفت‌های دیگری هست که بندرت در گفتگو می‌آید، و بیشتر در نوشته به کار می‌رود. ازین شمار است تِن کا Tenka، یعنی امپراتوری زیر آسمان، چنانکه گویی این سرزمین یگانه امپراتوری موجود در زیر آسمان بود. ازینرو امپراتور را تِن کاساما Tenkasama (پادشاه زیر آسمان) می‌خوانند. در قدیم این نام خاص امپراتوری ژاپن بود، اما چون آمد و شد تجاری چندین کشور دیگر را به ژاپنیان شناساند، اکنون این کشورها را هم با همین صفت خطاب می‌کنند، بویژه ممالکی را که اتباع آنرا میان خود می‌پذیرند. بدینسان امپراتوری چین را توسین تِن کا Tosin Tenka می‌خوانند و ایالات متحد هلند (سده ۱۷ میلادی) را هلند تِن کا می‌شناسند.» (صفحه‌های ۹۸ و ۹۹)

کمپفر نامهای دیگر ژاپن را چنین یاد کرده است:

- آواجی شِیما Awadsissima، که نام اصلی این سرزمین است، و بیشتر به این معنی که گفته شود «جزیرهٔ خاکی بازمانده»، آوابه معنی کف یا بازمانده، جی به معنی زمین، و شِیما به معنی جزیره. این نام مبتنی بر افسانه‌های ملی آفرینش جزایر ژاپن است، که مردم آن در قدیم - بی‌خبر از وجود سرزمین‌های مسکون دیگر - جزایر خود را تنها بخش مسکون عالم می‌دانستند. در افسانه‌ها آمده است که والاترین الهه از ارواح هفتگانهٔ آسمانی نیزهٔ خود را از آسمان بر اقیانوس گسترده در زیر فرو کرد و بیرون آورد، و از آن قطره‌ای چکید که نخستین جزیرهٔ ژاپن را ساخت، همانکه هنوز آواجی شِیما نام دارد.

- کامی - نو کونی Kami - no - Kuni یا سرزمین خدایان، خدایانی که مورد پرستش مردم ژاپن بودند.

- آکیتسوشیما Akitsushima. این نام بیشتر در تقویم‌های تاریخی و اساطیر ژاپن می‌آید.

- تون چیو Tontsio، به معنی صبح صادق.

- سیو Sio به معنی همه، یعنی همهٔ هفت جزیرهٔ تابع امپراتور ژاپن.

- یاماتو Yamato، که نام یکی از ایالت‌های ژاپن نیز هست. (همانجا)

یاماتو، با نشانهٔ نگارشی که امروزه برای این نام به کار می‌رود به معنی «صلح بزرگ» است، اما ریشهٔ این نام چندان دانسته نیست. بعضی از دانشمندان برآنند که ژاپن به تبع ایالت مرکزی یاماتو، که با نفوذترین منطقه آن بود، چنین نامیده شد. اما دیگران این نام را با کوهستانی بودن کشور مربوط می‌دانند («یاما» به معنی کوه است، و «تو» به معنی مکان).

اینکه محل یاماتای کوکو Yamatai Koku (کشور یاماتای) و مرکز آن کجا بوده، در میان ژاپن در منطقهٔ «کانسای» بوده یا جای دیگر، (از معماهای حل نشدهٔ تاریخ ژاپن است. در سال ۱۹۹۴ آینه‌ای که تاریخ سال ۲۳۵ را دارد و گفته می‌شود که از سوی امپراتور چین در سال ۲۳۹ به هدیه برای ملکه هیمیکو فرستاده شده است، در کیوتو یافته شد. شماری از باستان‌شناسان برآنند که این کشف فرضیهٔ وجود یاماتای کوکو در کانسای را تقویت می‌کند، اما عده‌ای دیگر بر این نظر نیستند.

می‌گویند که امپراتور چین در آنسال یکصد آینه به رسم هدیه به هیأت سفارت ژاپن داد تا برای ملکه هیمیکو بیاورند.

کمپفر از آچی وارا *Asijiwara*، آچی وارا کوکو *Asijuwara Koku* و کوا *Qua* یا وا *Wa* هم به عنوان نامهای دیگر ژاپن یاد کرده است (همانجا)

- وا: ژاپن در اسناد قدیم چین، کشور یا سرزمین «وا» خوانده شده است. در یک کتاب تاریخی چین، نوشته قرن سوم پیش از میلاد، می‌خوانیم: سرزمین «وا» دارای آداب اجتماعی منزه است. مردم آن نواری پارچه‌ای دور سر می‌پیچند و پیراهنی می‌پوشند که دوخت و دوز زیاد ندارد...» (تاریخ ژاپن، ص ۱۶)

- تو یو آشی هارا - نو چیاکی - ناگایو آکی - نو میستو - نو کونی

*Toyoashihara - no - Chiaki - Nagaioaki - no - Mitsuha - no - Mitsuho - no - Kuni*

این نام بلند در فرمان امپراتوری که الهه آماتراسو *Amaterasu* به شاهزاده آمه - نو اوشی هومیمی *Ame - no - Oshihomimi* داد، هنگامی که او می‌خواست از منزلگاه آسمانی خود به زمین فرود بیاید، آمده است (افسانه آفرینش ژاپن)

- کشور سنجاکک: ژاپن را گاهی آکیتسوشیما می‌نامند. *Akitsu* نام قدیمی برای سنجاکک است که از نشانه‌های سرزمین ژاپن هم شناخته می‌شود. در کوجیکی *Kojiki* (تاریخ باستانی و افسانه‌های ژاپن که تألیف آن در سال ۷۱۲ میلادی پایان یافت) داستانی گیرا در باره اصل و پیدایی این نشانه آمده است: وقتی امپراتور یوریاکو *Yoryaku* (فرمانروا در سالهای ۴۷۵ تا ۴۷۹) به سفری برای شکار به ایالت یاماتو رفته بود، که در آن میان خرمگسی آمد و بر ابروی او نشست. سپس از جایی سنجاککی آمد و خرمگس جسور و سمج را گرفت و کشت. این حرکت غیرمنتظر سنجاکک امپراتور را بسیار خوش آمد، و گفت: «این حشره غمخوار من است، و من این کشور را آکیتسو نام می‌دهم».

داستان دیگری هم آمده است که می‌گوید که امپراتور کوآن *Ko - an* در سال ۳۹۱ پیش از میلاد قصری در آکیتسومورا (دهکده سنجاکک) برای خود ساخت و آنرا آکیتسوجیما - می یا *Akitsujiima - miya* یا قصر سنجاکک نام گذاشت. نام این قصر به ایالت یاماتو هم اطلاق شد، و پس از مدتی به همه سرزمین ژاپن.

باز، به روایتی دیگر، در زبان قدیم ژاپن «آکی» *Aki* به معنی شمالی بود، و از «آکیتسوشیما» کشور پر نعمت برنج منظور است. در «مانیوشو» *Manyoshu* (قدیم‌ترین مجموعه شعری ژاپن فراهم آمده در سده هشتم) امپراتور به عنوان آکیتسو - میکامی *Akitsu - mikami* یا «خدای روشنایی» خوانده می‌شود، و به این اعتبار آکیتسوشیما به معنی سرزمین امپراتور است. اما عموماً عقیده بر اینست که آکیتسو معنی سنجاکک دارد و ژاپن کشور سنجاکک خوانده

می شده است. کسانی هم می گویند که ژاپن را ازینرو چنین می نامیدند که نمای این سرزمین با جزایر فراوانش به سنجاقک مانند است، اما این نظر را چندان نپذیرفته اند.

سی ری Seiri، نشانه های نگارشی چینی برای سنجاقک، در موارد بسیار در اطلاق به ژاپن هم به کار رفته است، مخصوصاً در ادبیات و نوشته های قدیم. لشکریان به کاربردن کلمه سی ری یا آکیتسو را خوش داشتند، زیرا که سنجاقک حشره ای است کوشا و مبارز.

- اوه یاشیما O - Yashima: چون، بنا بر ضبط «کو جیکی»، تاریخ افسانه ای ژاپن، از پیوند شهزاد ایزاناگی Izanagi و شهزاده خانم Izanami، «هشت جزیره» زاده شد، ژاپن اوه یاشیما یا «هشت جزیره بزرگ» نام گرفت.

- فوسوکوکو Fusokoku: در باره ریشه این نام جز این دانسته نیست که این به معنی کشور درخت توت است، یا «سرزمین توتستان» به نوشته یک کتاب قدیم چینی کشوری به این نام در بیست هزار میلی شرق چین بوده که در آنجا درختهای توت مقدس بفروانتی می رویده است. پیداست که ژاپن سرزمین آسمانی پنداشته می شده است، زیرا که «فوسو» را چینی ها به این معنی گرفتند.

جز اینها که یاد شد، بیش از ده نام دیگر برای ژاپن در افسانه ها و نوشته های تاریخی آمده است.

### نام ژاپن در منابع ایران و اسلامی

سفینه سلیمانی که شرح سفر هیأتی به سفارت از سوی شاه سلیمان صفوی (۱۱۰۵ - ۱۰۷۷ هـ و ۱۶۹۴ - ۱۶۶۷) به دربار نوانی پادشاه سیام است شرح خود را از ژاپن با توصیف جغرافیایی آن آغاز می کند: «و دیگر اعظم جزایر مشهوره در جهان جزیره مشهور مسمی به جپان است... که از یکطرف نزدیک به چین واقع و ارباب شناخت را اعتقاد چنانست که این جزیره انتهای معموره و دریای آن متصل به بحر است... و بمعموری این جزیره در ربع مسکون کمتر یافته اند.» (سفینه، صفحه های ۸۹ و ۱۸۸)

چینی ها کلمه ژاپنی (نی هون) (Nihon) یا «نی پون» (Nippon) را که به معنی «از تبار خورشید» است به جپن (Japan) یا جی پُن تحریف کردند و این کشور را «سرزمین برآمدن آفتاب» (ji - pon - kuo) نامیدند. و در ایران نیز نام ژاپن پس از غلبه مغولان از چینی ها گرفته شد و این کلمه در جامع التواریخ بصورت جیپانگو آمده است (بول، جامع التواریخ رشیدی، ج ۳، ص ۱۲۹). به نقل از مصحح سفینه، ص ۱۸۸، ج ۱). در روزگار پیشتر، جغرافیدانان مسلمان نام این سرزمین را، باز هم به تقلید چینیان، بلا و واق (=وا) می گفتند. یک کتاب تاریخی چین، نوشته سده سوم پیش از میلاد، در باره سرزمین «وا» (ژاپن) و مردم آن و زندگی آنان شرحی آورده است (رک: رجب زاده، تاریخ ژاپن، ص ۱۷ - ۱۶). نامه ای که نخستین فرستاده دربار ژاپن نزد امپراتور چین برد، چنین آغاز

می‌شد: «امپراتور کشور برآمدن آفتاب به امپراتور سرزمین فروشدن آفتاب می‌نویسد». (همانجا، ص ۴۱) جغرافیدانان مسلمان، و نیز مؤلفان ایرانی که اطلاعات خود را از آنان گرفته‌اند، در نوشته‌هایشان از جزیره واق و جزیره واق یاد کرده‌اند. مؤلف جهان‌نامه که کتاب خود را به سال ۶۰۵ هجری پرداخته در «نهایت‌ها ربع مسکون» نوشته است که «از جانب مشرق شهر هاه چین است، و چین اندرونی که آن را ماچین خوانند، ولشیل (السیلا = سیلا یا سیلی، بخشی از کره امروز) و بلاد واق واق» (جهان‌نامه، ص ۹). مسعودی در «التنبیه و الاشراف»، پرداخته ۳۴۵ هجری. در ذکر اقوام هفتگانه می‌نویسد که «قوم هفتم چین و سیلی و نواحی مجاور آن است که اقامتگاه فرزندان عامور بن یافت بن نوح است» (ص ۷۹). هم او در «مروج الذهب و معادن الجواهر» آورده است که «دریای چین نیز که دریای هفتم... است اخبار عجیب دارد... پس از دیار چین در مجاورت دریا ممالک معروف و موصوف بجر سیلی و جزایر آن نیست» (ص ۱۵۳). یعقوبی در وصف چین می‌نویسد که آن کشوری پهناور است و هر که بخواهد آنجا رود باید که از هفت دریا بگذرد. اما او جزایر واق واق را در میان دریای دوم و کنار زنج (زانج یا زایج یا جاوه) گفته است (تاریخ یعقوبی، ص ۱۸۲). ابواسحق ابراهیم اصطخری متوفی ۳۶۴ ه. ق. در ذکر دریای پارس نوشته است که آن «خلیجی باشد از دریای محیط در حد چین و حدود واق واق، و به هندوستان رسد» (ص ۱۰۹) که اینجا نیز با جاوه تطبیق می‌کند.

زکریای قزوینی در عجائب المخلوقات در وصف جزایر واق واق گوید که اینجا پیوسته است به جزایر رایج و آن هزار و هفتصد جزیره است (ص ۱۰۱)، و چون پیشتر در شرح جزیره رایج گفته که «این جزیره بزرگ از حدود چین است تا اقصی بلاد هند و او را ملکی بود نام او مهراج» (ص ۹۸) پس در عبارت او واق واق با جاوه و پیرامون آن تطبیق می‌کند. تاریخ روضة الصفا که نویسنده سفینه آن را از منابع خود برشمرده است نامی از سیلا و ماورای آن نبرده و شرح آن از چین و ماچین (ج ۵، ص ۲۰۷ - ۱۹۲) نیز افسانه‌وار است، و مطالب «گفتار در عجایب و غرایب عرصه ربع مسکون» (ج ۷، ص ۳۷۵) را هم پیدا است که از عجایب المخلوقات گرفته و در همین جا «واق واق» را نام چشمه‌ای جادویی گفته است (ص ۳۷۸) و سپس ذکری هم از جزیره واق واق که «متصل است به جزیره زنج» دارد (ص ۴۱۵).

حبیب السیر از دو جزیره، یکی واق، در «بحر محیط» (ج ۴، ص ۶۹۹)، و دیگر محلی حلی واق که متصل است به «جزیره الزیخ» (همانجا، ص ۶۷۰) نام برده است. که این دومی باید همان زایج یا جاوه باشد (رک: سفینه، ش ۸۸ تعلیقات، ص ۳۱۲). می‌توان نتیجه گرفت «واق» در آثار جغرافی نویسان مسلمان و ایرانی همان ژاپن است، اما واق واق با جاوه یا حدود سوماترا تطبیق می‌شود. گابریل فراند در مقاله‌ای اظهار عقیده کرده که واق واق تلفظ کلمه پاک پاک، نام یکی از قبایل ساکن سوماترا است (G. Ferrand; Journal Asiatique, 1932, p. 241) به نقل از سفینه، همانجا، ص ۳۱۱). ادریسی نیز از جزیره واق واق نام برده، اما آن را دارای دو شهر کوچک با جمعیت

کم و گرفتار تنگ‌روزی دانسته است (ص ۸۰).

واق واق به معنی سرزمین ژاپن ظاهراً تحریف شده کلمه ژاپنی واکوکو به معنی «کشور وا» می‌باشد. کلمه ژاپنی «وا» در چینی «وو» تلفظ می‌شود و معنی «کوتوله» را دارد و چینی‌ها تا اواخر سده نوزده ژاپن را «ووجون کو» یا سرزمین کوتوله‌ها می‌نامیدند. رشیدالدین نیز در وصف چین می‌نویسد: «جهت جنوب شرقی همه جا زیر فرمان خاقان است مگر جزیره‌ای در دریای محیط به نام چینگو. مردم آن کشور قدی کوتاه دارند باشکمی بزرگ و سری در شانۀ فرو رفته (منتخباتی از جامع‌التواریخ رشیدی، در Yule; Gathay، جلد سوم، ص ۱۲۹. به نقل از سفینه، ش ۸۸ تعلیقات، ص ۳۱۲).

(هاشم رجب‌زاده، ژاپن در سفینه سلیمانی، زیرنویس ۴).

#### منابع این مقاله

- رجب زاده، هاشم؛ ژاپن به روایت سفینه سلیمانی (سفر نامه‌ای از روزگار صفویان)، در: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد، شماره سوم و چهارم سال بیست و سوم - پاییز و زمستان ۱۳۶۹.

- محمد ربیع‌بن محمد ابراهیم؛ سفینه سلیمانی، با کوشش و تحشیه عباس فاروقی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۶.

- Marco Polo; Travels of Marco Polo, N.Y., n.d.
- Cortazzy, Hugh; Isles of Gold, Antique Maps of Japan, Tokyo, 1983.
- Joya, Mock; Things Japanese, Tokyo, 1958.
- Kaempfer, Engelbert; The History of Japan, Together with a Description of the kingdom of Siam 1690 - 92, J.G. Scheuchzer (tr. Glasgow, 1906.
- We Japanese, Fujiya (com.), Hakone, n.d.